

شب یلدا: برگزاری مراسم شب چله در شهر های ایران

پژوهشی از: دکتر رضا غیاث آبادی

هندوانه به عنوان نمادی کروی که برونش سبز و درونش قرمز است و سمبل خورشید محسوب می‌شود، به عنوان مهمترین میوه بر سر سفره چله قرار می‌گیرد .

مردم استان کرمانشاه براساس آیینی کهن در این شب بیدار می‌مانند تا با شعر خواندن، قصه گفتن، فال حافظ گرفتن و آجیل خوردن با مادر جهان در زادن خورشید همراهی و همدردی کنند.

در شب یلدا، بزرگترها با کودکان هم بازی می‌شدند، "پر یا پوچ" دزد بازی و مشاعره از جمله بازیهای است که در شب چله در مناطق مختلف استان مرکزی با مشارکت همه اعضای خانواده رواج داشت .
تهرانیان قدیم در همه اعیاد خود سنت حسنه جمع شدن افراد خانواده در منزل بزرگتر خانواده را منظور می‌داشتند و همه فرزندان خانواده در منزل مادر و پدر جمع می‌شدند. از سنن یلدای تهران ، صرف میوه‌های تابستانی از جمله هندوانه است.

ایرانیان قدیم شادی و نشاط را از موهبت های خدایی و غم و اندوه و تیره دلی را از پدیده های اهریمنی می پنداشتند. مراسم نوروز، جشن مهرگان، جشن سده، چهارشنبه سوری و شب یلدا و سنت های دیگر در واقع بیانگر این حقیقت است که ایرانیان پس از رهایی از بیدادگری و ستم به شکرانه بازیافتن آزادی، جشن برپا می ساختند و پیروزی نیکی بر بدی و روشنایی بر تاریکی و داد بر ستم را گرامی می داشتند.

شب یلدا در خراسان به " شب چله " معروف و دارای پیشینه دیرینه‌ای است و مردم در این شب با شرکت در شب نشینی‌های طولانی و خوردن انواع میوه و تنقلات سعی در بهتر گذراندن طولانی‌ترین شب سال دارند. مردم این منطقه برای استقبال نخستین روز از سردترین فصل سال تا آنجا که توان مالی دارند ، در خرید میوه‌های مخصوص شب یلدا مانند هندوانه ، انار و خربزه کوتاهی نمی‌کنند .

بردن هدیه به خانه عروس با عنوان " شب چله‌ای " از دیگر مراسم شب یلدا در استان خراسان به ویژه مناطق جنوبی این استان است. در این شب برای دخترانی که به تازگی نامزد شده‌اند، از سوی خانواده داماد، هدایایی فرستاده می‌شود و خانواده‌های عروس و داماد دور هم جمع می‌شوند. در این شب افراد با جمع شدن در خانه بزرگ فامیل، خواندن شعر و داستان، خوردن شیرینی ، آجیل و انواع تنقلات، بلندترین شب سال تا پاسی از شب بیدار می‌مانند .

یکی از آیین‌های ویژه شب یلدا در استان خراسان جنوبی برگزاری مراسم "کف زدن" است . در این مراسم ریشه گیاهی به نام چوبک را که در این دیار به "بیخ" مشهور است، در آب خیسانده و پس از چند بار جوشاندن، در ظرف بزرگ سفالی به نام "تغار" می‌ریزند. مردان و جوانان فامیل با دسته‌ای از چوب‌های نازک درخت انار به نام "دسته گز" مایع مزبور را آنقدر هم می‌زنند تا به صورت کف درآید و این کار باید در محیط سرد صورت گیرد تا مایع مزبور کف کند.

کف آماده شده با مخلوط کردن شیره شکر آماده خوردن شده و پس از تزیین با مغز گردو و پیسته برای پذیرایی مهمانان برده می‌شود. در این میان گروهی از جوانان قبل از شیرین کردن کف‌ها با پرتاب آن به سوی همدیگر و مالیدن کف به سر و صورت یکدیگر شادی و نشاط را به جمع مهمانان می‌افزایند .

اما در استان اصفهان نیز از قدیم‌الایام آیین‌های ویژه‌ای وجود داشته که کم و بیش هنوز هم ادامه دارد. به باور اصفهانی‌های قدیم ، زمستان به دو بخش "چله" و "چله کوچیکه" تقسیم می‌شد که موعد چله از اول دیماه تا ۱۰ بهمن بود اما "چله کوچیکه" از دهم بهمن آغاز می‌شد و تا سی بهمن ادامه داشت. البته آیین برگزاری شب چله در اصفهان به دو نام "چله زری" (ماده) و "عمو چله" (نر) تقسیم می‌شود زیرا از گذشته تاکنون همه موجودات و اشیاء را بر اساس جنس مذکر و مؤنث تقسیم می‌کردند. اصفهانی‌ها دوشب را به عنوان شب چله برپا می‌کردند و آیین‌های مخصوص به این شب را به جا می‌آوردند. آیین شب چله در شهر اصفهان خانوادگی برگزار می‌شده است و خانواده‌های اصفهانی با پهن کردن سفره‌ی با عنوان " سفره شب چله " ، این شب را گرامی می‌داشتند .

هندوانه به عنوان نمادی کروی که برونش سبز و درونش قرمز است و سمبل خورشید محسوب می‌شود، به عنوان مهمترین میوه بر سر سفره چله قرار می‌گیرد. از دیگر بخشهای این آیین در اصفهان قدیم پهن کردن تمام البسه و رخت خوابها در هوای آزاد بویژه در مقابل خورشید با هدف خوش آمدگویی به "عمو چله" و "چله زری" بوده است .

در استان کرمانشاه نیز که از شهرهای باستانی و کهن ایران زمین است ، شب یلدا از جایگاه ویژه‌ای در میان مردم برخوردار است و همواره با مراسم زیبا و با شکوهی همراه است. مردم استان کرمانشاه براساس آیینی کهن در این شب بیدار می‌مانند تا با شعر خواندن، قصه گفتن، فال حافظ گرفتن و آجیل خوردن با مادر جهان در زادن خورشید همراهی و همدردی کنند. میوه‌هایی نیز در این شب خورده می‌شود که به گونه‌ای نمادی از خورشید است مانند هندوانه سرخ، انار سرخ، سیب سرخ و یا لیموی زرد ، قصه‌هایی از عشق جاودانه شیرین و فرهاد، رستم و سهراب، حکایت حسین کرد شبستری و خواندن اشعار زیبا و دلنشین شامی کرمانشاهی در گذشته نقل مجالس شب یلدا در کرمانشاه بود.

آن روزها افراد فامیل بنا بر رسمی دیرینه به خانه بزرگترین فرد فامیل که معمولاً پدر بزرگ و مادر بزرگ بودند می‌رفتند و باتکاندن برفهای زمستان از لباس هایشان در گرمای آرامش بخش کرسی فرو می‌رفتند. افراد فامیل بر سر يك سفره باهم شام می‌خوردند و بر روی سفره مخصوص این شب خوردنیهای متنوعی چیده می‌شد .

خوردنی‌هایی از قبیل آجیل ، راحت الحلقوم، مشکل‌گشا، شیرینی محلی دست پخت مادر بزرگها به خصوص نان شیرینی معروف " نان پنجره‌ای، کاک و نان برنجی " ، و میوه‌هایی چون انار، سیب و هندوانه که نگین این سفره بود. یکی از آداب زیبایی که شب یلدا در استان کرمانشاه وجود دارد گرفتن فال حافظ است که مردم با اعتقادات خاص خود رهنمودهایش را چراغ راه مشکلات خود در زندگی قرار می‌دهند. همچنین دختران دم بخت با این کار از باز شدن بخت خود در آن سال خبری می‌گرفتند .

مردم استان زاهدان نیز براساس يك سنت دیرینه در شب یلدا در خانه بزرگ قوم خویش گردهم می‌آیند و به قصه‌هایی که پدر بزرگها و مادر بزرگها برایشان نقل می‌کنند گوش می‌دهند .

برگزاری جشن‌ها و نشست‌های خانوادگی همراه با گروهی از اعتقادات اسطوره‌ای، شبی خاطره‌انگیز برای خانواده‌های زاهدانی به خصوص کودکان و نوجوانان فراهم می‌کند. گفتن قصه ، گرفتن فال حافظ ، بازی‌های دسته‌جمعی نظیر گل یا پوچ و بیان لطیفه و خاطره راز سرگرمی‌های شب یلدا در این منطقه عنوان کرد .

استان آذربایجان شرقی نیز به عنوان یکی از خطه‌های زرخیز ایران زمین برای زنده نگه داشتن این شب بیادماندنی برای خود آداب و رسوم ویژه‌ای دارند که به پاره‌ای از آنان اشاره می‌شود. اکثر مردم آذربایجان در شب یلدا "چیلله قاریزی" (هندوانه چله) می‌خورند و معتقدند با خوردن هندوانه، لرز و سوز سرما به تنش‌ها تاثیر نداشته و اصلاً سرمای زمستان را حس نمی‌کنند .

در بیشتر شهرها و روستاهای آذربایجان شرقی رسم بر این است که کسانی که نامزد هستند در دوران نامزدی در این شب برای نامزدهای خود " خوانچه " طبق می‌فرستند و اقوام در هر چه بهتر بودن این خوانچه‌ها کمک می‌کنند. محتویات خوانچه‌ها عبارتند از شیرینی ، پرتقال ، سیب ، انار، هندوانه ، آیینه و پارچه که با پولک و تور تزیین می‌شود. هنگام غروب ، زنان فامیل هدایایی به رسم یاری به منزل داماد آورده و به جشن و پایکوبی می‌پردازند.

سپس طبق‌های آماده را بر سر افرادی که معین شده قرار داده و روانه خانه عروس می‌کنند و مادر عروس پس از تحویل طبق‌ها، هدایای مانند پول، شیرینی، جوراب و دستمال به آنها می‌دهد. فردای این شب مادر دختر تمام طبق‌ها را در اتاق میهمان چیده و از زنان فامیل برای صرف میوه و شیرینی دعوت می‌کند. همچنین علاوه بر فرستادن سهم چله برای نوعروس، در نخستین سال ازدواج زوج‌های تبریزی، پدر عروس قبل از غروب آفتاب سهم دختر و دامادش را که شامل هندوانه، میوه، آجیل، شیرینی، يك قواره پیراهنی باکفش و چادری روانه منزل آنها می‌کند .

در آذربایجان سابقاً که ارتباطات به این آسانی نبود از اواخر تابستان مقدار زیادی هندوانه و خربزه در تور می‌گذاشتند و آن را از سقف آشپزخانه آویزان می‌کردند تا در هوای آزاد خراب نشود و یا اینکه در کاه قرار می‌دادند . هندوانه مهمترین خوراك شب چله مردم آذربایجان شرقی است .

اغلب مردم در این شب برنج، مرغ و آش شیر پخته و بعد از شام نیز از تنقلات موجود در منزل شامل قورقا (گندم برشته با شاه‌دانه) آجیل، لبو، هویج، حلواي گردو انواع میوه، خربزه، هندوانه و

خشکبارهایی چون انگور، بادام و سنجد میل می‌کنند. ریش سفید خانواده در حالیکه با چاقو هندوانه را می‌برد، می‌گوید قادا بلامیزی بو گنجه کسدوخ (بلایای خودمان را امروز بریدیم) در تبریز پوستهای میوه و اشغالها را در آب روان ریخته و این رفتار را خوب و خوش یمن می‌دانند. بعد از خوردن تنقلات و میوه در سابق بزرگان خانواده به نقل حکایات و داستان‌هایی از حماسه‌های ملی این سرزمین نظیر، اصلی و کرم، بایاتی خواندن و ضرب‌المثل پرداخته و تا پاسی از شب به صحبت و گفت و گو مشغول می‌شوند. زنان معمولاً تا پایان چله کوچک خانه تکانی نمی‌کنند و اعتقاد دارند اگر در طول این دو چله کسی خانه تکانی کند، چله او را نفرین می‌کند و اگر چله کسی را نفرین کند به نکبت و بدبختی گرفتار می‌شود.

اما آیین شب یلدا در استان مرکزی از دیرباز در سه شب متوالی با عناوین شب "چله بزرگه"، "چله وسطی" و "چله کوچیکه" برگزار می‌شده و خویشان و دوستان سفره‌ای از مهر را می‌گشودند و از هر دری سخنی می‌گفتند. یکی از آیین‌های ویژه یلدا، در استان مرکزی دیدار و بزرگان و سالخوردهگان فامیل بوده است.

در شب‌های چله افراد فامیل در همایشی صمیمی دور کرسی چوبی جمع می‌شدند و به قصه‌های بزرگترها گوش می‌دادند. زنان و دختران روستایی در گرگ و میش شب‌های چله در تکاپو و هیجانی خاص ملزومات غذا و تنقلات ویژه این شب را مهیا می‌کردند و برای گذران ساعات خوش در کنار فامیل لحظه شماری می‌کردند. آنان درسین‌های قدیمی مسی در فضایی دوده‌گرفته آشپزخانه‌های قدیمی، انواع میوه و تنقلات به ویژه هندوانه، انگور، تخمه و نخودچی کشمش، و خرما را مهیا می‌کردند. در این شب استثنایی پس از صرف شام و خواندن دعای شکر درپای سفره، همگان در کنار هم، از شادی‌ها و غم‌ها، موفقیت‌ها، اعتقادات، امیدها و بیم‌هاشان می‌گفتند.

بزرگترها و ریش سفیدان فامیل در این شب علاوه بر خواندن اشعار حافظ، سعدی و فردوسی خاطرات و داستان‌های کهن ایران زمین را برای اعضای خانواده نقل می‌کردند.

در شب یلدا، بزرگترها با کودکان هم بازی می‌شدند، "پر یا پوج" دزد بازی و مشاعره از جمله بازی‌هایی است که در شب چله در مناطق مختلف استان مرکزی با مشارکت همه اعضای خانواده رواج داشت. این رسومات تا ۵۰ سال پیش در شهر اراک و سایر مناطق استان مرکزی به شکلی فراگیر وجود داشت اما اکنون به ندرت می‌توان چنین جلوه‌هایی را به چشم دید.

یلدای تهران قدیم نیز با میوه‌های تازه فصل پاییز، میوه‌های خشک شده تابستان آجیل مخصوص، شیرینی و هندوانه به صبح می‌رسید. تهرانیان قدیم در همه اعیاد خود سنت حسنه جمع شدن افراد خانواده در منزل بزرگتر خانواده را منظور می‌داشتند و همه فرزندان خانواده در منزل مادر و پدر جمع می‌شدند. از سنن یلدای تهران، صرف میوه‌های تابستانی از جمله هندوانه است که به دلیل نزدیکی این مراکز کشاورزی با تهران، میوه هندوانه در خوراکی‌های شب یلدای تهرانیان قرار گرفته است. آجیل شب یلدا نیز از دیگر مصروفات تهرانی‌ها است که ترکیب آن نشانی از اعتقاد و تجربه اهالی تهران قدیم به خواص گوناگون میوه‌های خشک شده است که با عنوان "آخشیج" (تضادها) کاربرد داشته است. ولی تهرانی‌ها شب یلدا را همه ساله جشن می‌گیرند تا سنت‌های زیبای قدیم در لابلای زندگی مدرنیته شهرنشینی‌شان حفظ شود.

مردم استان قزوین نیز همچون دیگر هموطنان ایرانی، این آیین کهن را با رفتن به خانه بزرگ‌ترها می‌گذرانند. به عقیده بزرگ‌ترها آوردن میوه‌های مختلف خشک و تر و میوه‌های سرخ فام که به "شب چره" معروف است، همراه با خوراکی‌های دیگر شگون داشته و زمستان پر برکتی را نوید می‌دهد. در بعضی مواقع که مادر بزرگ‌ها در آوردن تنقلات تاخیر می‌کنند کوچکترها شعر "هر که نیارد شب چره - انبارش موش بچره" سر می‌دهند، که مادر بزرگ در آوردن "شب چره" تعجیل می‌کند. در این شب اغلب مردم قزوین با خوردن سبزی پلو با ماهی دودی و سپس هندوانه، انار، انواع تنقلات از جمله کشمش، گردو، تخمه، آجیل مشکگل‌کشا و انجیر خشک، شب نشینی خود را به اولین صبح زمستانی گره می‌زنند.

به عقیده مادر بزرگ‌های قزوینی اگر در این شب ننه سرما گریه کند باران می‌بارد، اگر پنبه‌های لحاف بیرون بریزد برف می‌آید و اگر گردنبند مراوریدش پاره شود تگرگ می‌آید. یکی دیگر از آداب و رسوم "شب یلدا" فرستادن "خونچه چله" از سوی داماد به عنوان هدیه زمستانی برای عروس است. در این خونچه برای عروس پارچه، جواهر، کله‌قند و هفت نوع میوه مثل گلابی هندوانه، خربزه، سیب، به با تزئینات خاصی فرستاده می‌شود.

از جمله آیین‌های شب یلدا در خراسان شمالی آن است که خانواده‌ها در این شب نشینی شب یلدا تفالی نیز به دیوان حافظ می‌کنند که این کار هم معمولاً توسط بزرگ خانواده صورت می‌گیرد. آنان دیوان اشعار لسان‌الغیب خواجه شیراز را با نیت بهروزی و شادکامی می‌گشایند و فال و مراد دل خود را از او

طلب می‌کنند. بازگویی خاطرات، قصه‌گویی پدر بزرگها و مادر بزرگها نیز یکی از مواردی است که پلدا را برای خانواده‌ها دلپذیرتر می‌کند. یکی دیگر از سنت‌های کهن شب پلدا، چله بردن برای خانواده عروس است. با فرا رسیدن شب چله مردهای جوان طبق‌های آراسته میوه، شیرینی و کله‌قند تزئین شده را به رسم هدیه به خانه عروس جوان می‌برند.

این طبق‌های هدیه که معمولاً مسی است و روی آن با سفره‌های قرمز گل‌دوزی شده پوشانده شده، پر از ظرف‌های بزرگ میوه پیچیده در زروق‌های رنگین با گل و نوارهای مواج می‌شود.

مردانی این طبق‌ها را بر سر گذارده و در پی یکدیگر با شادی و پایکوبان راهی خانه عروس می‌شوند. خانواده دختر نیز به پاس قدردانی و به رسم یادبود لباس و باقطعه پارچه‌ای را برای خانواده داماد، در سینی خالی شده هدایا می‌گذارند. اگر قبل از شب چله برف باریده باشد برخی از مردم شهر و روستا در این شب با خوردن برف شیر، با شیرین کردن کام با معجون‌های بارش زمستانی، با سردی زمستان آشتی می‌کنند. همچنین بزرگ‌ترها با دادن حلوا قلقلی از کوچک‌ترها پذیرایی می‌کنند.

حلوا قلقلی از کوبیده شدن مغز گردو، بادام، کنجد و دیگر دانه‌های روغنی تهیه و سپس در شیر انگور نیز خوابانده می‌شود. اما برخی از افراد کهنسال و نیز آشنایان به فرهنگ مردم در خراسان شمالی همه این آیین و مراسم را بهانه‌ها و ترفندهایی برای گردهم آمدن خانواده‌ها، بجای آوردن صلح و آرامی و رفع کدورت‌های احتمالی بین خویشاوندان می‌دانند. آنان بر این باورند که پیشینیان در هر فصل به بهانه‌ای سعی می‌کرده‌اند تا اقوام را جمع کرده و صلح، صفا و صمیمیت را در بین آنان حکمفرما کنند.

بسیاری از ادیان نیز به شب چله مفهومی دینی دادند. در آیین میترا (و بعدها با نام کیش مهر)، نخستین روز زمستان به نام «خوره روز» (خورشید روز)، روز تولد مهر و نخستین روز سال نو بشمار می‌آمده است و امروزه کارکرد خود را در تقویم میلادی که ادامه گاه‌شماری میتراپی است و حدود چهارصد سال پس از مبدأ میلادی به وجود آمده؛ ادامه می‌دهد. فرقه‌های گوناگون عیسوی، با تفاوت‌هایی، زادروز مسیح را در یکی از روزهای نزدیک به انقلاب زمستانی می‌دانند و همچنین جشن سال نو و کریسمس را همچون تقویم کهن سیستانی در همین هنگام برگزار می‌کنند. به روایت بیرونی، مبدأ سال‌شماری تقویم کهن سیستانی از آغاز زمستان بوده و جالب اینکه نام نخستین ماه سال آنان نیز «کریست» بوده است. منسوب داشتن میلاد به میلاد مسیح، به قرون متأخرتر باز می‌گردد و پیش از آن، آنگونه که ابوریحان بیرونی در آثارالباقیه نقل کرده است، منظور از میلاد، میلاد مهر یا خورشید است. نامگذاری نخستین ماه زمستان و سال نو با نام «دی» به معنای دادار/خداوند از همان باورهای میتراپی سرچشمه می‌گیرد.

نخستین روز زمستان در نزد خرمینیانی که پیرو مزدک، قهرمان بزرگ ملی ایران بوده‌اند سخت گرمی و بزرگ دانسته می‌شد و از آن با نام «خرم روز» یاد می‌کرده و آیین‌هایی ویژه داشته‌اند. این مراسم و سال‌شماری آغاز زمستانی هنوز در میان برخی اقوام دیده می‌شود که نمونه آن تقویم محلی پامیر و بدخشان (در شمال افغانستان و جنوب تاجیکستان) است. همچنین در تقویم کهن ارمنیان نیز از نخستین ماه سال نو با نام «ناواسارد» یاد شده است که با واژه اوستایی «نوسرده» به معنای «سال نو» در پیوند است.

هر چند برگزاری مراسم شب چله و میلاد خورشید در سنت دینی زرتشتیان پذیرفته نشده است؛ اما خوشبختانه اخیراً آنان نیز می‌کوشند تا این مراسم را همچون دیگر ایرانیان برگزار کنند. البته در تقویم نوظهوری که برخی زرتشتیان از آن استفاده می‌کنند و دارای سابقه تاریخی در ایران نیست، زمان شب چله با ۲۴ آذرماه مصادف می‌شود که نه با تقویم طبیعی انطباق دارد و نه با گاه‌شماری دقیق ایرانی و نه با گفتار ابوریحان بیرونی که از شب چله با نام «عید نود روز» یاد می‌کند. از آنرو که فاصله شب چله با نوروز، نود روز است.

امروزه می‌توان تولد خورشید را آنگونه که پیشینیان ما به نظاره می‌نشسته‌اند، تماشا کرد؛ در دوران باستان بناهایی برای سنجش رسیدن خورشید به مواضع سالانه و استخراج تقویم ساخته می‌شده که یکی از مهمترین آنها چارتاقی نیاسر کاشان است که فعلاً تنها بنای سالم باقی‌مانده در این زمینه در ایران است. پژوهش‌های نگارنده که در سال ۱۳۸۰ منتشر شد (نظام گاه‌شماری در چارتاقی‌های ایران)، نشان می‌دهد که این بنا بگونه‌ای طراحی و ساخته شده است که می‌توان زمان رسیدن خورشید به برخی از مواضع سالانه و نیز نقطه انقلاب زمستانی و آغاز سال نو میتراپی را با دقت تماشا و تشخیص داد. چارتاقی نیاسر بنایی است که تولد خورشید بگونه‌ای ملموس و قابل تماشا در آن دیده می‌شود. این ویژگی را چارتاقی «بازه هور» در راه نیشابور به تربت حیدریه و در نزدیکی روستای رباط سفید، نیز دارا است که البته فعلاً دیواری نوساخته و الحاقی مانع از دیدار پرتوهای خورشید می‌شود.

هر ساله مراسم دیدار طلوع و تولد خورشید و بررسی نظریه نگارنده در چارتاقی‌های ایران و از جمله چارتاقی‌های نیاسر، نویس و بتخانه آتشکوه، با حضور دوستداران باستان‌ساره‌شناسی ایرانی و دیگر علاقه‌مندان در محل چارتاقی‌ها برگزار می‌شود.

آیا کریسمس همان شب چله است؟

دکتر میرجلال‌الدین کزازی که در ادبیات گفتاری و نوشتاری‌اش يك کلمه غیرفارسی هم پیدا نمی‌شود و یا به ندرت!! استاد چندی پیش در همایشی به نام «کاوشی در شب چله» با يك سخنرانی آتشین راجع به تقلید مسیحیان از آیین‌های شب یلدا در کریسمس سخن گفت. این هم متنی برگرفته از همان سخنرانی با گویش خاص استاد. بخوانید و ببینید جایگاه این دو جشن زمستانی در طول تاریخ چه تغییراتی ممکن است کرده باشد.

ایزد مهر در یکی از شهرهای خاوری ایران از دوشیزه‌ای به نام ناهید زاده شد. پس از مدت اندکی کشور به کیش مهرپرستی گروید. مهرپرستی از مرزهای ایران فراتر و به رم رفت. پادشاهان رم به آن گرویدند و دین رسمی رم شد. «یولیانوس» یا «ژولیان» یکی از پادشاهان رومی، گروه گروه مردم ترسا را به دین مهر می‌کشاند و دعوت می‌کرد. هنوز هم نیایش‌های این شاه رومی با مهر برجاست. «ای پدر در آسمان نیایش مرا بشنو»

«یولیانوس» در این نیایش، خدا را پدر می‌نامد. این اسمی بود که ترسایان به تقلید از مهرپرستان بر خدای خود گذاشتند. رومیان، سال‌های بسیار، تولد مهر و شب چله را جشن می‌گرفتند و آن را آغاز سال می‌دانستند.

حتی پس از گسترش دین مسیحیت، باز کشیشان نتوانستند از گرفتن این جشن‌ها جلوگیری کنند و به ناچار مجبور شدند به دروغ، این شب را زادروز تولد عیسی معرفی کنند تا روز ۲۵ دسامبر را به بهانه تولد عیسی جشن بگیرند نه تولد ایزدمهر. هنگامی که به آیین و مراسم مسیحیان در کریسمس نگاه می‌کنیم، بسیاری از نشانه‌های ایرانی این مراسم را در می‌یابیم.

ایرانیان قدیم در شب چله درخت سروی را با دو رشته نوار نقره‌ای و طلائی می‌آراستند. بعدها مسیحیان درخت کاج را به تقلید از مهرپرستان و ایرانیان تزئین کردند. مهر از دوشیزه با کره‌ای به نام آناهیتا در درون غاری زاده شد که بعدها مسیحیان، عیسی را جایگزین مهر و مریم را جایگزین آناهیتا قرار دادند. یکی دیگر از وام‌گیری‌های مسیحیان از مهرپرستان، روز مقدس مسیحی یعنی يك‌شنبه است.

Sunday به معنی روز خورشید یا مهر است که روز مقدس مهرپرستان بود. ارنست رنان درباره آیین مهرپرستی گفته است: «اگر عیسویت به هنگام گسترش خود بر اثر بیماری و مرگ ماری باز می‌ایستاد، سراسر جهان به آیین مهر می‌گروید.»